خراسان بزرگ:سال چهارم،شماره(۱۲)، پاییز ۱۳۹۲
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.4, No. 12, Autumn 2013

توران و تورانیان در شاهنامه فردوسی

امید شیوا[۱]

تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۲
تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۱۰

چکیده:

توران همان جایی است که در اوستا نامه ایرانیان باستان و سایر منابع کهن پهلوی از آن به عنوان گوشه ای از سرزمینهای آریایی یاد شده . شـــاهنامه فردوسی نیز سراســـر روایت تاریخ کهن ایران زمین در تقابل و تعامل با ملل دیگر و به ویژه تورانیان است.

طی سالیان گذشـــته که توجه غربیان همواره به سوی تاریخ شرق باســـتان معطوف بوده پژوهشهایی نیز از ســـوی آنان در این زمینه صورت گرفته اســـت ؛ اما به نظر شناخت حقیقی این ســـرزمین و مردمان آن بدون بررسی منابع ایرانی امکان پذیر نیست چراکه این قوم بیشـــترین تعامل را با ایرانیان داشتند و به گواهی اسناد معتبر تاریخی و باســـتان شناســـی حتی از یک تبار بودند. در این مقاله برآنیم تا به بررسی جایگاه جغرافیایی توران زمین در شرق باستان ، نژاد و تبار مردمان آن ، آداب و رســـوم و بویژه ارتباط آنها با فرهنگ ایران زمین بپردازیم.

واژگان کلیدی:
توران، اوستا، شاهنامه فردوسی، فرهنگ ایران زمین

۱. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد سازمان میراث فرهنگی ، ایمیل: Omid_shiva2@yahoo.com

مقدمه

در منابع کهن ایران باستان ، جهان به هفت کشور بخش می شود . در اوســـتا کتاب مقدس ایرانیان باستان شانزده بار نام هفت کشور آورده شده است : سپیده دمان چالاک را می ستاییم که به چالاکی اســـب بتازد و به هفت کشور درآید. [۱]

کشـــور میانین را خونیرث بامی یا ایران درخشـــان می نامیدند که بزرگترین کشـــور جهان بوده و شـــش کشور دیگر در شش ســـوی آن قرار می گرفتند. پس از گذشت هزاران ســـال میان مردم کشـــور میانین یـــا همان مرز آریاییان جدایی افتـــاد چنانکه گروهی از آنان به ســـوی خووران (غرب) رفتند و در اروپای امروزی ساکن شدند. نوشته های کهن ایرانی از این گروه با نام سئیریم یاد می کنند که در زبان پهلوی سرم و در زبان فارسی دری سلم خوانده می شود که همان ســـرمتیان[۲] اند و امروز آنان را اروپایی می نامیم. [۳]

گروه آریایی نیز یکی از شـــعبه های مهـــم خانواده هند و اروپایی است که غالب پژوهشـــگران مهاجرت آنان را از سرزمینی در حدود روســـیه امروزی به جانب جنوب و شرق یعنی فلات مرکزی ایران ،فلات پامیر و شمال شبه جزیره هندوستان تأیید می نمایند.

بلنتیسکی در کتاب خود ، خراســـان و ماوراءالنهر چنین آورده:به اعتبار پژوهندگانی که جایگاه نخستین آریاها را در فلات پامیر می دانند ، سرزمین کهن خوارزم و سواحل شرقی دریای کاســـپین اولین ناحیه ای است که آریاییان ایرانی در آن ساکن شدند. [۴]

دکتر محمدعلی سجادیه از گروه آریانی که به آســـیای میانه رسیدند و در آنجا ساکن شدند با نام تورانیان یاد می کند اما از دیدگاه ایشـــان تورانیان آن گروهی از آریایـــیان بودند که ابتـــدا در ایران ویج و در فلات مرکزی ایشـــان ســـاکن شـــدند و بعدها به دلیل گرما آنجا را ترک گفته و در آسیای میانه مستقر گشـــتند ، چنانکه می گوید: در این میانه گروهی مرز و کشـــور و نژاد و تبار خویش را گرامی شمردند و برای گریز از گرما یا سختی های دیگر آن را رها نکردند و در ایر یا ایران همان ایران ویج خاستگاه ایرانیان برجای ماندند . اینان هیچگاه پیوســـتگی خود را با آن دو گروه [تورانیان و سرمتیان] فراموش نکردند ، چنانکه[از آغاز تاریخ این سرزمین] تا پایان دوره ساسانی ، می بینیم که پادشاهان ایرانی گهگـــــاه با دختران پادشاهان روم و یا پادشاهان توران پیوند زناشـــویی می بستند و فرزندان چنین زنانی به پادشـــاهی می رســـیدند زیرا که از مادری آریایی (ایرانی) زاده شده بودند. [۵]

در شاهنامه فردوسی نیز روشن ترین گفتار درباره آگاهی ایرانیان از این پیوند در ســـخن هرمز به خسرو پرویز آمده است که به هنگام گریز از بهرام چوبینه به وی پند و اندرز می دهد که به جای پناه خواســـتن از تازیان از قیصر روم پناه بجوید:

چو بگذاشـــت خواهی همی مرز و بوم   از ایدر برو تازیان تا به روم

سخنهای این بنده چاره جوی   چو رفتی یکایک به قیصـــر بگوی

به جایی که دین است و هم خواستســـت   سلیح و سپاه وی آراســـتست

فریدونیان نیـــز خویـــش تـــواند   چو کارت شود سخت پیش تواند[۶]

فریدون به زبان اوســـتایی ثرایتون خوانده می شود که از دو بخش تشکیل شده اســـت، بخش نخست آن ثری است که در اوستا و سانســـــکریت به معنای عدد سه می باشد و همان اســـت که امروزه به زبان انگلیسی three خوانده می شود . بخش دوم آن نیز اِئتون است که در زبان پهلوی ایتون و در زبان فارسی ایدون به معنی چنین به کار می رود . بنابراین معنی فریدون در اصل سه ایدون یا سه اینچنین است که نشـــان از سه بهرگی [نژاد آریا] دارد و بر روی هم فریدون به معنی دورانی است که در آن آریاییان به سه شاخه تقسیم می شود.[۷]

اما هرگاه ســـخن از تورانیان به میان می آید ، بسیاری چنین می انگارند که تورانیان در ورز (وارود ، ماوراءالنهر) و به ســـخن دیگر میان دو رود بـــزرگ آموی (جیحون) و گلزریون (سیردریا ، ســـیحون) می زیستند . برخی نیز از این فراتر رفته و می پندارند که مرز تورانیان در کشـــور ترکمنســـتان امروزی که در آن ســـوی اترک و در شمال شرقی ایران کنونی قرار دارد بوده است. [۸]

۱. اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان – دوســـتخواه ، جلیل – نشر مروارید – چاپ هفتم ۱۳۸۲ جلد دوم – ص ۶۲۶(از خرده اوستا)

۲. شـــاخه ای از اقوام هند و اروپایی که در شمال آســـیای صغیر و جنوب روسیه ساکن شدند.

۳. پژوهشی در تبار مشـــترک ایرانیان و تورانیان – سجادیه ، محمد علی – نشر بلخ – چاپ اول ۱۳۶۸ – ص ۵ و ۶ به اختصار

۴. خراســـان و ماوراءالنهر – آ. بلنتیســـکی – ترجمه دکتر پرویز ورجاوند – نشر گفتار – چاپ اول – ۱۳۶۴ – ص ۱۸

۵. پژوهشی در تبار مشـــترک ایرانیان و تورانیان – سجادیه ، محمد علی – ص ۶ و ۷ به اختصار

۶. شاهنامه فردوسی – فردوسی ، ابوالقاســـم – تحت نظر : ی. آ. برتلس – نشر اندیشه علم (از چاپ مسکو) ۱۳۸۱ – ص ۴۹۹

۷. زندگی و مهاجرت آریاییان بر پلیه گفتارهای ایرانـــی – جنیدی ، فریدون – نشر بلخ – چاپ چهارم – ۱۳۸۶ ص ۱۴۵ و ۱۴۶ به اختصار

۸. مرزهای ایران و توران ، بر بنیاد شـــاهنامه فردوسی – شـــهیدی مازندرانی ، حسین بیژن – نشر بلخ – چاپ اول ۱۳۷۶ ص ۱۹

شاید اغراق نباشد اگر بگوییم در سراسر شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوســی ، نام هیچ ملت یا سرزمینی به اندازه نام توران و تورانیان آورده نشده است.

چــو آمد به نزدیکی باژگـــاه
هم آنگه ز توران بیامد ســپاه [۱]

آغــاز موجودیت توران و تورانیان در شــاهنامه نیز به زمان فریدون باز میگردد همان جایی که او سرزمینهای خود را میان سه فرزند پسر خود ، سلم و تور و ایرج قسمت می کند:

نهفتــه چــو بیرون کشــید از نهان
بســه بخش کرد آفریدون جهان
یکی روم و خاور ، دگر ترک و چین
سیم دشت گردان و ایران زمین [۲]

در این تقســیم بندی روم و خاور(مغرب) به سلم ، ترک و چین به تور و سرزمین ایران نیز به ایرج می رسد:

نخســتین به ســلم اندرون بنگریــد
همه روم و خـاور مر او را ســـزید
بفرمـــود تا لشـــکری برگـــزید
گـرازان ســوی خاور انــدر کشــید
بتخت کـــیان انــدر آورد پــای
همی خـــواندندیش خـاور خــدای
دگــر تــور را داد توران زمـــین
ورا کـرد سـالار ترکــان و چیــن
یکی لشکری نامــزد کـرد شـــاه
کشـید آنگهی تـور لـشکـر بـراه
بیامــد بـتخت کئی بـرنـشســت
کمربرمیان بست و بگشاد دســت
بزرگـــان بر او گوهـر افشـاندند
همی پاک توران شهش خواندنــد
از ایشان چو نوبت به ایرج رســید
مــر او را پـدر شــاه ایران گــزید
هم ایـــران و هم دشت نیزه وران
هم آن تخت شاهی وآن تاج سران
بدو داد کـــو را ســـــزا بود تاج
همان کرسی و مهر وآن تخت عاج [۳]

سلم و تور به ایرج حســادت کرده و اورا کشتند اما از ایرج نوه ای به نام منوچهر بر جای ماند که بعدها انتقام وی را از سلم و تور گرفت.

در شاهنامه آمده که سلم و تور پسران فریدون از شهنواز و ایرج فرزند وی از ارنواز همسر دیگر بودند.

اما این که چرا فریدون پادشاه اسطوره ای ایران جهان را اینگونه میان پسرانش بخش نمود بازمی گردد به آزمونی آنها پشت سر نهادند ، در این آزمون فریدون خویشتن را به گونه اژدهایی ترسناک نمایاند تا از دلیری فرزندانش آگاه شود . بزرگترین پسر (سلم) پس از دیدن اژدها ، بدون نبرد به آوردگاه پشــت کرد، و به گاه گریزش نکردی درنگ . سپس تور کز آغاز تیزی نمود پای به میدان نهاد ، وز آتش مرو را دلیری فزود ، تور اندکی تاب نبرد آورد و ســرانجام او نیز از رزمگاه به در رفــت . کوچکترین فرزند(ایرج) ، در جنگ پافشاری ورزید و تن به شکست نداد . فریدون یا اژدها که فرزندانش را آزموده بود ناپدید شد تا در آینده شایسته ترین آنها یعنی ایرج را برای شهریاری ایران زمین برگزیند. [۴]

در لغت نامه دهخـــدا توران چنین توصیف می شــود : اسم خاص است و نام ترکســتان و بعضی از خراسان و آن در مشرق اســت. (لغت فرس اســدی چ اقبال) . ولایت ماوراءالنهر است (فرهنگ جهانگیری). [۵]

اما در اینجا باید یادآور شد که به اســتناد منابع تاریخی و اسناد مکشوفه باستان شناســی و کتیبه های موجود از شاهان هخامنشی ، اشکانی و ساسانی حدود ماوراءالنهر و شهرهای آن حوزه تصرفات امپراطوری ایران محسوب شده و ما بارها شــاهد لشکرکشی شــاهان ایران به این حدود جهت ســرکوب اقوام مهاجم و بیابان گرد هستیم و حتی کوروش کبیر شــاه ، هخامنشـــــی دریکی از همین نبردها با ماســاژتها ، نیرومندترین اقوام ساکن در آســیای مرکزی و وابسته به ســکاها کشته شد. [۶]

ســرزمین توران به ایران ویج یا مملکت خوارزم متصل بوده و تا دریاچه آرال که جغرافی نویسان قرون وسطی آن را دریاچه خوارزم نامیده اند امتداد داشته است. جنگهای ایرانیان و تورانیان بخش مهم و ویژه داستانهای ملی ما را شامل می شود که در سراسر شاهنامه به چشم می خورد.

ماوراءالنهــر (ناحیــه ای متمدن در حوضــه آمودریا و سیردریا) به اصطلاح جغرافی نویســان مسلمان قرون وسطی جزء ترکســتان[۷] نبوده اســت ولی بخش اعظم

۱. شاهنامه فردوسی –تحت نظر : ی. ابرتلس (از چاپ مسکو) ص ۱۳۱
۲. شاهنامه فردوسی – تحت نظر :ی. آبرتلس (از چاپ مسکو) – ص ۲۲
۳. همان منبع – ص ۲۲

۴. آفرینش خدایان : راز داستانهای اوســتایی – عطایی ، امیر – نشر عطایی – چاپ اول – ۱۳۷۶ ص ۱۵۶ و ۱۵۷ به اختصار
۵. لغت نامه دهخدا – دهخدا، علی اکبر – نشــر دانشگاه تهران – ۱۳۴۱ – جلد ۱۴ ص ۱۱۰۳
۶. در این مورد رجوع شــود به : ایران باســتان از ۵۵۰ ق. تا ۶۵۰ پ. م اثر یوزف ویسهوفر – تاریخ ده هزار ساله ایران اثر عبدالعظیم رضایی – تاریخ امپراطوری هخامنشیان اثر پروفســور پی یر بریان – ایران در زمان ساسانیان اثر پروفسور آرتور کریستنسن و ...
۷. سرزمین ترکان یعنی نواحی واقع میان متصرفات مسلمانان و چین که صحرا

این کشـــور که هیچ حد و مرز طبیعـــی آن را از حملات صحرانشـــینان مصون و محفوظ نمی داشـــته ، از لحاظ سیاسی به زیر اطاعت اقوام ترک درآمده بود. [۱]

و این دلیل همان اســـت که فردوســـی تور را که حاکم سرزمینهای آسیای مرکزی گشته سالار ترکان و چینیان می نامد ولی ایـــن هرگز به معنای ترک بـــودن تورانیان نیست.

درباره نســـب واژه تور به ترک ، مردم شناس روس ، د . ی . ایریمیوف۲ در سال ۱۹۹۰ . م در مجله مردم شناسی روس مقاله ای با نام واژه ترک ریشـــه ایرانی دارد نوشته اســـت و اثبات می نماید که قبیله ای شـــکارچی ترک در ســـده های ۳ ۵ میلادی آمده و تورهای کوچ رو را که در آلتایی ، از قدیم می زیســـتند در خود تحلیل برده است. در نتیجه ترکها نام تورها را در شـــکل تور تویورک قبول می نمایند . در زبان ترکی واژه تـــرک معنای قدرت ، زور آور ، زورمند ، توانا و پرقـــدرت را دارد که همان ترجمه واژه تور به ایرانی است . [۳]

زبان تورانی باســـتان از دیگر زبانهای ایرانی چون پشتو ، آســـی ، یغنابی ، کردی ، بلوچی ، گیلکی ، خوزی ، ارمنی و ... جدا نبوده اســـت ، چنانکه در اوستا نیز نشانه های آن هست و در شاهنامه نیز در گفتگو میان تورانیان و ایرانیان ترجمه دیده نمی شود .

اســـتاد فریدون جنیدی در مقدمه کتاب پژوهشـــی در تبار مشـــترک ایرانیان و تورانیان چنین متذکر شده است : چنانکه در بزرگترین نبرد میان ایرانیـــان و تورانیان که افراسیاب از هفت تیره همسایه خود برای جنگ با ایران یاری می جوید و در آن نبرد کوشانیان ، شکنیان ، چغانیان ، هندیان ، ساوه شـــاه ، گهار گهانی و چینیان تورانیان را یاری می دهند . هومان ویسه برادر پیران با رستم سخن می گوید و همه ســـخنان با هندیان و تورانیان و باقی بی ترجمه بر زبـــان می رود مگر در همـــان جنگ که خاقان چین به یاری ترجمه با رستم سخن می گوید. [۴]

همه نامهای تورانی چون فرشید رود ، گرسیوز ، منیژه ، فرنگیس ، شیده ، هومان ، ارجاســـب و ... ایـــرانی و یا به گفته زبان شناســـان امروزی آریایی است . افراســـیاب در اوســـتا فرنگرســـین [۵] آمده اســـت که در پهلوی به فراسیاک و در فارسی دری به افراســـیاب برگشته است . فرنگریسن در زبان اوســـتایی به هراس افکننده گفته می شود ، همان طور که در شاهنامه آمده :

شـــود کوهـــی آهن چـو دریای آب
اگـــر بشـــنود نام افراســـیاب [۶]

زبان ترکی نیـــز علاوه بـــر پیوندهای عمیـــق تاریخی و فرهنگی با زبان فارســـی از اصل هم با هم خویشـــاوند بوده ودر حقیقت دنباله همان زبان تورانی کهن است که با زبانهای ایرانی هم زمان خود بســـتگی شگرفی داشته است . یک نگاه ژرف به ضمیرهای ترکی ، فارسی و دیگر زبانهای آریایی (که در غرب هند و اروپایی شان می نامند) نشان می دهد که این زبانها یک تبار مشترک دارند . [۷]

حکیم فردوسی نیز خود به نیکی می دانست که تورانیان و ایرانیان از فرزندان تور و ایرج و به عبارت دیگر از پسران فریدون و از یک تخمه و نژاد بودند که اشاره به یکی بودن دو تیره تورانی و ایرانی دارد که هـــر دو آریایی و فریدون نژادند. در شـــاهنامه نیز بارها به این بستگی و پیوند تأکید شده است چنانکه افراسیاب می گوید :

چنین گفت که ایران دو رویه مراست
بباید شـــنیدن ســـخنهای راست
که پـور فـــریدون نیـــای من است
همه شـــهر ایـران سرای من اســـت [۸]

جغرافیای توران در لغت نامه دهخدا چنین تعریف شـــده اســـت: در کتب متأخر ناحیت ترک خزر و چین و ماچین و تبت و شـــرق را خاک تور دانسته اند. [۹] و نیز آمده: کـــلیه مردم اورال آلتایی که در آسیای مرکزی و شمالی و در شمال کـشور ایران ســـکونت دارند و اقوام هـــون و مجـــار و ترک از تورانیـــان هستند. [۱۰]

درباره اقوام کهن ســـاکن در آســـیای مرکزی و فلات ایران رقیه بهزادی چنیـــن می گویـــد: در روزگاری که دشـــت آســـیای مرکزی چراگاه بدویان بوده اقوامی که روش آبیاری پیشرفته ای داشـــتند، شهرکهای آبادی در حاشیه شرقی و جنوبی این دشـــت بنیان نهادند و از لحاظ اقتصادی اوضـــاع را برای یک زندگی شـــهری متکی بر

نشینان ترک و مغول آن را مسکون ساخته بودند

۱. ترکمنســـتان نامه ، ترکســـتان در عهد هجوم مغول – و . و . بارتولد – ترجمه کریم کشاورز – نشر آگاه – چاپ دوم – ۱۳۶۶ جلد اول – ص ۱۶۸

۲.Eremmev D.E

۳. جهان ایرانی و تورانی (مجموعه مقالات) – گرد آورنده : ســـاقیان ، مرضیه – برای مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی – نشر وزارت امور خارجه – ۱۳۸۱ ص ۳۲ از مقاله یوسف شاه یعقوب اف

۴. پژوهشی در تبار مشترک ایرانیان و تورانیان – سجادیه ، محمدعلی – ص ۱۵

Farangrasayan.3

۶. همان منبع – ص ۸

۷. همان منبع – ص ۲۷

۸. مرزهای ایران و توران بر بنیاد شـــاهنامه فردوســـی – شـــهیدی مازندرانی ، حسین بیژن – ص ۴۸

۹. فرهنگ لغت دهخدا - دهخدا ، علی اکبر – ج ۱۴ ص ۱۱۰۳

۱۰. همان منبع – ص ۱۱۰۳

بازرگانی را مساعد نمودند.[۱]
اقوام سکایی، سرمتی، آلانی و چند طایفه دیگر از بیابان گردان آسیای مرکزی را نیز باید از نژاد ایرانی شمرد زیرا که بازرگانان ایشان در آسیای مرکزی در ختن و تومشق و در قفقاز (آسی ها) به زبانهای ایرانی سخن می گفتند.[۲]
از میان طوایف مختلف اسب سوار آسیای مرکزی اهمیت سکاها هم در روزگار خود آنها و هم در سده های تاریک، از دیگران بیشتر است. برخی محققان سکاها را جزء طایفه هون و برخی دیگر آنان را ترک می دانند اما به طور کلی بیشتر پژوهشگران در این نکته با هم توافق دارند که سکاها جزء نژاد هند و اروپایی و احتمالاً از نژاد ایرانی بودند. تنها حقیقت مسلم این است که زبان رایج در میان این طوایف بیابان گرد اساساً یک زبان ایرانی بود و حتی ممکن است بیشتر وابسته به زبان اوستایی بوده باشد.[۳]
رضا زاده شفق نیز حوزه گسترش زبانهای ایرانی را از خلیج فارس تا قفقاز و شرق خزر و فلات پامیر و ترکستان و طول رود سند در هند تا خلیج عمان می داند.[۴]
بر اساس نخستین سرچشمه های خطی سنوی هم که درباره آسیای مرکزی اطلاعاتی را در اختیار ما می گذارند در قرنهای پنجم تا هفتم پیش از میلاد در این سرزمین اقوام و طایفه های ایرانی نژاد سغدیا، باختری ها، مرغیانه ها، خوارزمی ها، پارتها و قبایل مختلف سکایی و ... مورد تأکید است.[۵]
براساس آنچه که از اسناد و روایات تاریخی بر می آید، کیش و آئین آریائیان در آغاز مهرپرستی بوده چنانکه در شاهنامه نیز فریدون به برادران خود نوید می دهد که اگر بر ضحاک پیروز شود:

جهان را همه زیر داد آورم
چو از نام دادار یاد آورم
فریدون به خورشید بر برد سر
کمر تنگ بستش به کین پدر[۶]

و این نخستین اشاره به نیایش مهر نژاد آریا در شاهنامه است. پس از این نیز برای باری دیگر در همین دوران فریدون به این دین اشاره شده است:

پرستیدن مهرگان دین اوست
تن آسانی و خوردن آئین اوست[۷]

بنا بر این و به استناد همین ابیات بالا روشن می شود که کیش و آیین فریدونیان یعنی ایرانیان و تورانیان سرمتیان[۸] همگی در آغاز پرستش مهر یا همان میترا بوده است.
زرتشت در زمان گشتاسب به پیامبری مبعوث می شود و این شاه کیانی نخستین پادشاه ایرانی است که آئین نو را می پذیرد و به همراه وزیر خردمندش جاماسب به زرتشت روی می آورد و این آغاز آئین جدید در شاهنامه است.

چو گشتاسب را داد لهراسب تخت
فرو آمد از تخت و بربست رخت
به بلخ گزین شد بر آن نوبهار　　که یزدان پرستان بدان روزگار[۹]

ارجاسب شاه تورانی که با زرتشت و پذیرندگان او سر ستیز داشت به جزای از دین خارج شدگان ایرانی با سپاهیان خود به ایران حمله می کند. داستان نبردهای او با سپاهیان گشتاسب در کتاب پهلوی ایاتکار زریران و در شاهنامه فردوسی به تفصیل آمده است.[۱۰]
بر اساس آنچه که از منابع کهن برمی آید مرزهای شمال شرقی همواره درگیر منازعات و هجومهای پی در پی اقوام مهاجم قرار داشته و در پی این کشمکشها واضح است که هر از گاهی مرزها جا به جا شده باشد.
بارتولد چنین می گوید: مرز سیاسی میان ایران و توران چندین بار دچار دگرگونی شده بود، گاه همچون عهد هخامنشی ویا در دوره فرمانروایی تازیان سراسر ماوراءالنهر با فلات مرکزی ایران از لحاظ سیاسی نیز واحد یکپارچهای را تشکیل می داده ولی از آغاز قرن دهم میلادی این ناحیه تحت فرمان و حکومت اقوام آسیای میانه قرار داشته است.[۱۱]
بعدها در عهد تیموری می بینیم که توران به معنی

۱. قومهای کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران – بهزادی، رقیه – نشر وزارت امور خارجه – چاپ اول ۱۳۷۳ – ص ۳
۲. تاریخ ده هزار ساله ایران، از پیدایش آریاها تا انقراض پارتها – رضایی، عبدالعظیم – نشر اقبال – چاپ سیزدهم – ۱۳۸۰ – جلد اول – ص ۱۴۶
۳. قومهای کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران – بهزادی، رقیه – ص ۱۳۲
۴. ایران از نظر خاورشناسان – زاده شفق، رضا – نشر اقبال – ۱۳۳۵ ص ۱۱۰ و ۱۱۱ به اختصار
۵. آسیای میانه از کهن ترین روزگاران تا زمان زرتشت – غفوروف، باباجان غفوروویچ – ترجمه رضا مرادی غیاث آبادی – نشر نوید شیراز – چاپ اول – ۱۳۸۵ ص ۷۴
۶. شاهنامه فردوسی – تحت نظر: ی. آ. برتلس (از چاپ مسکو) – ص ۱۸
۷. زندگی و مهاجرت آریائیان بر پایه گفتارهای ایرانی – جنیدی، فریدون، ص ۱۶۷
۸. اروپائیان آئین مهر را هنگام مهاجرت از آریاویج با خود به مسکن فعلی برده اند نه آنکه توسط دریانوردان دزد به آن سرزمین برده شده باشد. (از زندگی و مهاجرت آریائیان – جنیدی، فریدون – ص ۱۶۹)
۹. شاهنامه فردوسی – تحت نظر: ی. آ. برتلس (از چاپ مسکو) – ص ۲۷۱
۱۰. اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان – دوستخواه، جلیل – جلد دوم – ص ۹۰۶ به اختصار
۱۱. ترکستان نامه: ترکستان در عهد هجوم مغول – و. و. بارتولد – ص ۱۶۸ به اختصار

یک ایالت که از نظر اداری تابع حکومت تیموری بوده باشد اطلاق نمی شود، بلکه بیشتر یکناحیه فرهنگی در نظر است که در متون ادبی در مقابل ایران به کار می رفته. در ادبیات فارسی به ویژه در شاهنامه دیده می شود که سرزمین ایران پیوسته با توران یعنی سرزمین میان دو رود بزرگ آسیای مرکزی و به عبارت دیگر ماوراءالنهر در ستیز دائم بوده است.[۱]

در شاهنامه نیز بارها در اثر همین جنگها و درگیریها مرز میان ایران و توران در حدود ماوراءالنهر از جیحون تا سیحون[۲] تغییر می کند.

برای مثال در جایی می بینیم که دشت سپیجاب در ساحل شمالی رود سیحون مرز شمرده می شود:

یکی لشکری ساخت افراسیاب
ز دشت سپیجاب تا رود آب[۳]

و در جایی دیگر جیحون مرز خوانده می شود:

ز جیحون و تا ماوراءالنهر
بر که جیحون میانچیست اندر گذر
بر و بوم ما بود هنگام شاه
نکردی بر آن مرز ایرج نگاه[۴]

در شاهنامه می خوانیم که پس از محصور شدن منوچهر پادشاه پیشدادی در طبرستان به دست افراسیاب تورانی سرانجام هر دو به صلح گراییدند، منوچهر از افراسیاب درخواست کرد تا به اندازه پرتاب یک تیر از خاک او را به وی بازگرداند و افراسیاب نیز می پذیرد. فرشته اسفندارمذ به منوچهر دستور داد که تیر و کمان خاصی بسازد. وقتی که این تیر و کمان آماده شد به آرش که تیرانداز ماهری بود دستور دادند که تیر را پرتاب کند. بنابر روایت ابوریحان بیرونی آرش برهنه شد و تن خود را به مردم نشان داد و گفت: ببینید که بدن من عاری از هر گونه جراحت و بیماری است اما بعد از این تیراندازی نابود خواهم شد. طبق روایت غررالسیر تیری که افراسیاب بر آن نشانی از خود نهاده بود به هنگام طلوع خورشید رها شد و از طبرستان به بادغیس رسید و همین که نزدیک به فرو آمدن بود به دستور خدا فرشته باد آن تیر را به پرواز درآورد تا به زمین خلم در بلخ رسید و در غروب آفتاب فرود آمد. سپس این تیر را نزد افراسیاب آوردند و به این طریق مرز میان ایران و توران مشخص شد.[۵]

۱. معماری تیموری در ایران و توران — اکلمبک، الیزا و ویلبر، دونالد — کرامت الله فر و محمد یوسف کیانی — نشر میراث فرهنگی — چاپ اول ۱۳۷۴ ص ۴۹
۲. سیحون را گاه سیر دریا و گاه گلزریون نیز نامیده اند.
۳. شاهنامه فردوسی — تحت نظر: ی. آ برتلس (از چاپ مسکو) — ص ۵۹
۴. همان منبع — ص ۶۲

اما باید یادآور شد که در همین داستان نیز میان نویسندگان در باب جای فرود آمدن تیر اختلاف نظر بسیار است.

این ستیز و دشمنی میان ایرانیان و تورانیان را در اوستا نیز می توان یافت؛ در زامیاد یشت می خوانیم که افراسیاب تورانی سه بار خود را به دریای فراخکرت[۶] می رساند تا فر ایرانی یا همان فر کیانی[۷] را برباید اما در این کار پیروز نمی شود و هر بار سخنانی به دشنام و ناسزا می گوید همچون ایث ایث ثین اهمایی ... یعنی من نتوانستم این فر را بربایم ... گزارندگان اوستا این واژگان را چون ناسزا و دشنام بوده گزارش و معنی نکرده اند اما خود این واژه ها که به زبان اوستایی است نشان دهنده زبان و نژاد یکسان ایرانیان و تورانیان در گذشته است.[۸]

همان گونه که پیش از این نیز اشاره شد با وجود تمام اختلافات و درگیریها دو ملت ایران و توران هرگز خویشاوندی هم را از یاد نبردند و از این روی حتی گاه به هم عشق می ورزند. جالب است که در میان تورانیان به نامی بر می خوریم که برادر افراسیاب پادشاه توران است؛ و این نام اغریث۹است. اغریث نیکخواه ایرانیان است و در یکی از نبردهای سهمگین که با یورش تورانیان آغاز گردید پهلوانان و لشکریان ایران را از زندان رهایی می بخشد. و افراسیاب به پاد افره (مجازات) همین کار او را می کشد. اما ایرانیان که همواره دل در گرو مهر این پهلوان تورانی و خویشاوند خود داشتند همواره از او به نیکی یاد کردند. در شاهنامه نیز همواره نامهای

۵. قهرمانان ملی ایران از کاوه آهنگر تا یعقوب لیث صفار — حقیقت، عبدالرفیع — نشر کومش — چاپ سوم ۱۳۸۴ — ص ۲۳۲۲ به اختصار
۶. نام دریای بزرگی است در اساطیر ایران که بارها در اوستا از آن یاد شده و پورداوود آن را به احتمال دریای خزر خوانده اما بهار پس از بحث و پژوهشهای دقیق تر آن را با اقیانوس هند یکی دانسته است.
۷. در اوستا معمولاً از دو فرّ یاد می شود: ایرینم خورن (فر ایرانی) و کوئینم خورن (فر کیانی). فر ایرانی توانگر و نیز فره مند است، خرد نیک آفریده و دارایی خوب فراهم می نماید، آز را در هم می شکند و دشمن (انیران) را فرو می کوبد. اهریمن و دیوان کارگزار و دستیار او و سرزمینهای انیران را شکست می دهد. فرّ کیانی بهره ناموران و شهریاران و اشَوَنان می شود که از پرتو آن به رستگاری و کامروایی می رسند. این فر همواره از آن ایرانیان است و تا پدیدار شدن سوشیانت و برپایی رستاخیز، روی از ایران و ایرانیان برنخواهد تافت. (از اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان — ج دوم ص ۱۰۱۸)
۸. پژوهشی در تبار مشترک ایرانیان و تورانیان — سجادیه، محمد علی — ص ۸ و ۹
۹. این نام در اوستا به معنی گردونه پیشتاز و نام پسر پشنگ برادر افراسیاب است و در بسیاری از جاها با صفت نرو یعنی دلیر و پهلوان از او یاد می شود. در بند هشن از اوستا او در شمار جاودانگان دین زرتشتی است.

برازنده ای همچـون اغریث رهنمای ، اغـریث نیکـرای ، اغـریث نیک خوی و اغـریث نیک مرد به وی داده شـده است . [۱]

در اوستا (یشتها) نیز می بینیم که فـره وشی زنان و مردان ایرانی و تورانی در کنار هم ستایش می شود :

فره وشی های اشون [۲] مردان ســـرزمینهای ایرانی را می ستائیم .

فره وشی های اشون زنان ســـــرزمینهای ایرانی را می ســتائیم .

فره وشی های اشون مردان ســـرزمینهای تورانی را می ستـائیم .

فره وشـــی های اشون زنان ســـرزمینهای تورانی را می ســـتائیم . [۳]

اما باید یاد آور شـــد که ســـرزمین ماوراءالنهر که در آغاز توسط آریاییان مســـکون بود ، بعها دچار ترک زدکی شد و اکنون نه تنها صحرا نشـــینان آن سرزمین بلکه بخش مهمی از مردم مقیم و اســـکان یافته آن نیز به زبان ترکی سخن می گویند . [۴]

در قون اول و دوم پیش از میلاد و اساســاُ در قرون سوم و چهارم میلادی اقوام مغول مناطـــق تورهای آریا نژاد را به تصرف درآوردند . با این حال امــروزه هم در این دیار دهها نام ایرانی همچـــــون تور ، توران ، کـــوه و دره و ... باقی مانده اســـت . اقوام مغول تورها را به اطاعت درآورده و فرهـــنگ و نام تور را به شـــکل تورک قبول می کنند . ترکــــــها زبان خود را با آمیزش بســـیار کلمات آریایی ایرانی نگه می دارند . تورها پـــس از چندی زبان جدید را قبول نموده و به همراه مغولان در غارت و ضبط زمینهای هم نژادان خود فعالانه شرکت می نمایند . [۵]

کار به جایی رســـید که برخی فرمـــان روایان ترک نژاد برای اینکه خود را بزرگ و ریشـــه دار نشان دهند ، خود را از دودمان دلاوران تورانی و افراسیاب و یا حتی پادشاهان کیانی خواندند . چنین گمان نادرســـت بر اثر تکرار روایی درست انگاشته شد تا جایی که متأُســـفانه نویسندگان و شـــاعران نیز تورانیـــان را در گفتار خود تـــرک خواندند و یا ترکان را تورانی به شـــمار آوردنـــد . چنانکه حافظ نیز افراسیاب فریدون نژاد (ایرانی) را ترک دانسته است:

شاه ترکان سخن مدعیان می شنود
شرمی از مظلمه خون سیاووشش باد [۶]

پیش از این نیز اشـــاره شـــد که تورانیـــان طوایفی بودند آریایی نژاد و اغلب از تیره ســـکاها که زبـــان و آداب آنان ایرانی بوده اســـت و ارتباط فرهنگی عمیقـــی با ایرانیان داشـــتند . مرادی غیاث آبادی طی مقاله ای با اســـتناد به کشف یک مومیایی دارای خالکوبی در گورستان پازیرک در کوهستانهای آلتایی و در حدود سرزمینهای تورانی که قدمت آن به ســـده پنجم پیش از میلاد می رسد و نقوشی مشابه با نقوش اســـطوره ای ایرانی در قالی پازیریک و یا سر در تالار صد ستون دارد و به استناد اشعار شاهنامه که در آن از سنت خال کوبی میان ایرانیان به عنوان شیوه ای جهت اثبات هویت و نشـــان تبار و خاندان پدری دیده می شود همچون داســـتان بازیافتن کیخسرو پسر سیاووش این احتمال را که خال کوبی سنت مشترک میان ایرانیان و تورانیان باشد را مطرح می سازد. [۷]

تورانیان تنها در کیش خود و یا گاهی در تربیت اجتماعی با ایرانیان متفاوت بودند . مذهب آنها غالباُ مهر پرســـتی بود و گروهی نیز شـــمنی مذهب بودند که شعبه ای از بت پرستی و برآمده از آئین بودایی است . [۸]

با تاخت و تاز قبایل هون ، از اقوام زردپوست که خونشان با خون مغولی و چینی آمیخته بـــود و چینیان آنها را یوئه چی می خواندند و در نواحی جیحون پراکنده شدند . اینان بر اثر فشـــار ســـایر هونها از حوزه رود تاریم گذشتند و در منطقه بین ســـــیحون و جیحـون مســـــکن گزیدند و ســـکاها را به سوی جنوب راندند . [۹]

حرفه تورانیان چوپانی و صحراگردی و اغلب در پیکار و جنگ بودند و در زمان ساســـانیان خاصه انوشـیروان که شـاهد هجوم قبایل ترک آلتایی هســـتیم با آنها آمیزش یافتند ، مردم سرزمینهای ماوراءالنهر تا حدود تبت همه از این جنس بودند ، ولی همواره در برابر فشـــار این طوایف ترک (آلتایی) و ساکنان مغولســـــتان مقاومـــت کردند ، آنها گاه نیز به ایرانیان فشار آورده وجنگــــهای خونین و درازی به راه مـــی انداختند که از آن جمله اســـت نبرد ساســانیان با هونهای سـفید یا هیتالها [۱۰]

در گیتا شـناسی نوین کشـــــورها نیز چنین آمده است

---

۱. پژوهشی در تبار مشترک ایرانیان و تورانیان –سجادیه ، محمد علی –ص ۷
۲. به معنای انسانهای پیرو نیکی و راستی
۳. اوستا کهن ترین ســـرودهای ایرانیان –دوستخــــواه ، جلیل –جلد اول ص ۴۲۶ و ۴۲۷
۴. ترکستان نامه : ترکستان در عهد هجوم مغول –و . و . بارتولد –ص ۱۶۸
۵ . جهـان ایرانـي و تورانـي –(مجموعـه مقـالات) –گردآورنده: ساقیان ، مرضیه –(از مقاله یوسف شاه یعقوب اف)
۶. مرزهای ایران و توران بر بنیاد شـــاهنامه فردوســـی –شـــهیدی مازندرانی ، حسین بیژن –ص ۲۱ به اختصار
۷. مقاله خال کوبیهای توران و مقاســـه آن با ابیاتی از شـــاهنامه–مرادی غیاث آبادی ، رضا www.ghiasabadi.com
۸. لغت نامه دهخدا –دهخدا ، علی اکبر –جلد دوم ص ۱۱۰۳ به اختصار
۹. تاریخ ده هزار ساله ایران –رضایی ، عبدالعظیم –ص ۳۰۶ به اختصار
۱۰. لغت نامه دهخدا –دهخدا ، علی اکبر –جلد ۱۴ ص ۱۱۰۳

که : ترکهای آسیای مرکزی از سده ششم میلادی تهدیدی نظامی برای ایران و بیزانس محسوب می شدند و پس از گرایش تدریجی به مذهب اسلام ، بغداد را در میلادی تصرف نمودند و ایران و بین النهرین را به متصرفات خود افزودند و در پی آن به سوی آسیای صغیر روان شدند و در سرزمین مزبور سکنی گزیدند. امپراطوری ترکان در سده دوازدهم به دولت های سلجوقیان، کردها و ممالیک مصر تقسیم گردید و تا ظهور امپراطوری عثمانی موجودیت خود را حفظ نمود .[۱]

در مقاله آران و آذربایجاننوشته رضا عنایت الله نیز آمده : تورانیان شاخه ای از آریاییان بودند که از فرهنگ کمتری برخوردار شدند . میان دو گروه ایرانی و تورانی دشمنی وجود داشت . از سده ششم میلادی که ترکان به آسیای میانه راه یافتند ، شباهت این دو نام سبب شد که برخی نام توران را با نام ترکان یکی بدانند حال آنکه رابطه ای میان این دو نیست.[۲]

به هر حال تردیدی نیست که آریاییان صاحب جانوران اهلی بودند و اصطلاحات مجزا برای اشاره به نر و ماده در زبانشان از آشنایی آنها با عملیات دامپروری حکایت دارد .[۳]

از دیدگاه امیر عطایی نبردهای میان ایران و توران بیشتر جلوه ای اسطوره ای و نمادین داشته و سنبل جنگی جاودانی است میان دو جهان اهورایی و اهریمنی که در آن ایران سرزمین مزدا و فروغ و نیکو است و در برابر آن توران سرزمین تیرگی ها است .[۴]

شهیدی مازندرانی هم این دوگانگی میان تورانیان و ایرانیان را از این روی می داند که ایرانیان دارای فرهنگ و تمدن پیشرفته ای بودند و کشاورزی و آبادانی جهان را یکی از با ارزش ترین و نیکوترین کارها می دانستند و ژرفای این اندیشه تا به آنجا بود که کار کشاورزی در نزد آنان به گونه ای نیایش و ستایش به درگاه آفریدگار جهان به شمار می آمد. در حالی که بیشتر تورانیان مردمانی بیابان گرد و کوچنده و تاراج گر بودند و به کشاورزی و آبادانی زمین چندان توجهی نداشتند .[۵]

بنابراین و بر اساس تمام آنچه که گفته شد ؛ تورانیان یا همسایگان حدود شرقی و شمال شرقی ایران که در تمام روایات تاریخی و ادبی دشمن دیرینه ایرانیان خوانده شدند نیز از نژاد آریا و فرزندان فریدون شاه ایران بوده و از خویشاوندان قدیمی ایرانیان شمرده می شوند . در آغاز از یک آیین پیروی می کرده و به یک زبان تکلم می نمودند . ازدواج میان ایرانیان و تورانیان رایج بود و فرزندان حاصل از این گونه ازدواجها ایرانی محسوب شده و حتی می توانستند به سلطنت برسند .

داستان اختلاف این دو تیره در شاهنامه از آنجایی آغاز می شود که ایرج به دست برادر خود تور کشته می شود ، منوچهر انتقام ایرج را می گیرد ولی دشمنی ها بر جای است ؛ با مرگ سیاووش به دست افراسیاب تورانی دیگر راهی برای آشتی باقی نمی ماند و این دشمنی ها همچنان ادامه می یابد . هر چند که در این میان هر دو تیره از رابطه و خویشاوندی خود آگاهند و در دل خود را از هم جدا نمی بینند

فرهنگ این مردمان که حضور آنها را در سراسر شاهنامه و نیز منابع کهن پهلوی شاهد هستیم در واقع نوعی از همان فرهنگ ایرانی است اما با درجه ای پایین تر . چراکه ایرانیان زودتر از هم نژادان خود در توران به کشاورزی روی آوردند و یکجا نشین شدند.

هر چند که بعدها و به ویژه از حدود سده ششم میلادی با هجوم قبایل مغول و هونهای سفید که به سوی آسیای مرکزی سرازیر شده بودند اختلاط نژادی میان تورانیان ایرانی نژاد و ترکان مغول مهاجم اتفاق افتاد و حتی زبان آنها به تدریج به زبان ترکی تغییر کرد اما نباید صرف شباهت دو نام تور و ترک تورانیان را ترک دانست .

امروزه نیز در سرزمینهای ازبکستان ، قرقیزستان و به ویژه افغانستان و ترکمنستان که به عنوان حدود توران زمین باستان شناخته می شود همچنان شاهد نوعی یکپارچگی فرهنگی هستیم که ریشه در تاریخ و گذشته این مردمان دارد.

---

۱. گیتا شناسی نوین کشورها – جعفری ، عباس – نشر موسسه جغرافیایی کارتوگرافی گیتاشناسی – چاپ دوم – ص ۱۴

۲. آران و آذربایجان –(مقاله)– عنایت الله ، رضا – نشر هزاره ۱۳۸۵

۳. آریائیها – چایلد ، ویرگوردون – ترجمه محمد تقی فرامرزی – نشر نگاه – ۱۳۸۷ ص ۱۲۳ به اختصار

۴. آفرینش خدایان : راز داستانهای اوستایی – عطایی ، امیر – ص ۲۱۴ به اختصار

۵. مرزهای ایران و توران – بربنیاد شاهنامه فردوسی – شهیدی مازندرانی ، حسین بیژن – ص ۲۱

فهرست منابع

آ. بلنتیسکی خراسان و ماوراء النهر ترجمه دکتر پرویز ورجاوند نشر گفتار چاپ اول(۱۳۶۴)
اکلمبک، الیزا و ویلبر، دونالد معماری تیموری در ایران و توران ترجمه کرامت الله فر و محمد یوسف کیانی نشر میراث فرهنگی ط چاپ اول (۱۳۷۴)
بهزادی، رقیه قومهای کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران نشر وزارت امور خارجه چاپ اول(۱۳۷۳)
جنیدی، فریدون زندگی و مهاجرت آریاییان بر پایه گفتارهای ایرانی نشر بلخ چاپ چهارم (۱۳۸۶)
جعفری، عباس گیتا شناسی نوین کشورها موسسه جغرافیایی کارتوگرافی گیتاشناسی چاپ دوم
چایلد، ویرگوردون آریاییها ترجمه محمد تقی فرامرزی نشر نگاه (۱۳۸۷)
حقیقت ع عبدالرفیع قهرمانان ملی ایران از کاوه آهنگر تا یعقوب لیث صفار نشر کومش چاپ سوم (۱۳۸۴)
دوستخواه، جلیل اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان نشر مروارید چاپ هفتم (۱۳۸۲)
دهخدا، علی اکبر لغت نامه دهخدا زیر نظر دکتر محمد معین نشر دانشگاه تهران جلد چهاردهم(۱۳۴۱)
رضایی، عبدالعظیم تاریخ ده هزار ساله ایران از اپیدایش آریاها تا نقراض پارتها نشر اقبال چاپ سیزدهم جلد اول(۱۳۸۰)
زاده شفق، رضا ایران از نظر خاور شناسان نشر اقبال(۱۳۳۵)
سجادیه، محمد علی پژوهشی در تبار ایرانیان و تورانیان نشر بلخ چاپ اول(۱۳۶۸)
ساقیان، مرضیه مجموعه مقالات جهان ایرانی و تورانی نشر وزارت امور خارجه
شهیدی مازندرانی، حسین بیژن مرزهای ایران و توران بر بنیاد شاهنامه فردوسی نشر بلخ چاپ اول(۱۳۷۶)
عطایی، امیر آفرینش خدایان: راز داستانهای اوستایی نشر عطایی ـ چاپ اول(۱۳۷۶)
عنایت الله، رضا آران و آذربایجان نشر هزاره(۱۳۸۵)
غفوروف، باباجان غفوروویچ آسیای میانه از کهن ترین روزگاران تا زمان زرتشت ترجمه رضا مرادی غیاث آبادی نشر نوید شیراز چاپ اول(۱۳۸۵)
فردوسی، ابوالقاسم شاهنامه فردوسی تحت نظر: ی. آ. برتلس نشر اندیشه علم (از چاپ مسکو)(۱۳۸۱)
مرادی غیاث آبادی، رضا مقاله خالکوبیهای توران و مقایسه آن با ابیاتی از شاهنامه برداشت از سایت اینترنتی www.Ghiasabadi.com
و. و. بارتولد ترکمنستان نامه، ترکستان در عهد هجوم مغول ترجمه کریم کشاورز نشر آگاه جلد اول چاپ دوم (۱۳۶۶)